

شوق تعلیم ۲۷

دوماهنامه بین‌المللی اطلاع‌رسانی، پژوهشی، آموزشی، تحلیلی در زمینه علوم انسانی
سال چهارم، شماره بیست‌وهفتم، بهمن و اسفند ۱۳۹۵ / ۳۳۰۰ تومان



در این شماره:

- گفت‌وگو با دکتر عبدالله شفیق آبادی، دکتر مسعود شکوهی و دکتر زهرا مجاهدی و گزارش نشست ۳ میزگرد متفاوت با موضوعات: مدیران و هدایت تحصیلی، مشاوران و هدایت تحصیلی و هدایت دانش آموزان نظری حداقل با آموزش یک مهارت
- پاسداشت زنده یاد بانو لیلی انگجی وند و کارل راجرز، استادان روان‌شناسی ایرانی و آمریکایی
- با آثار و گفتاری از دکتر حیدر توراتی، دکتر مرتضی مجدفر، ابراهیم اصلانی، دکتر لیلا سلیقه دار، دکتر محرم آقازاده، محرم نقی، دکتر محمدعلی شامانی، دکتر مرجان کیان، مهندس علی زرافشان، مهندس ابراهیم آزاد، دکتر احد نویدی، دکتر علی اصغر خانی، مهندس محمد حسن بزدی زاده، دکتر محمد حسین نژاد، دکتر بیژن عبداللهی و سایر نویسندگان و اعضای شورای تحریریه



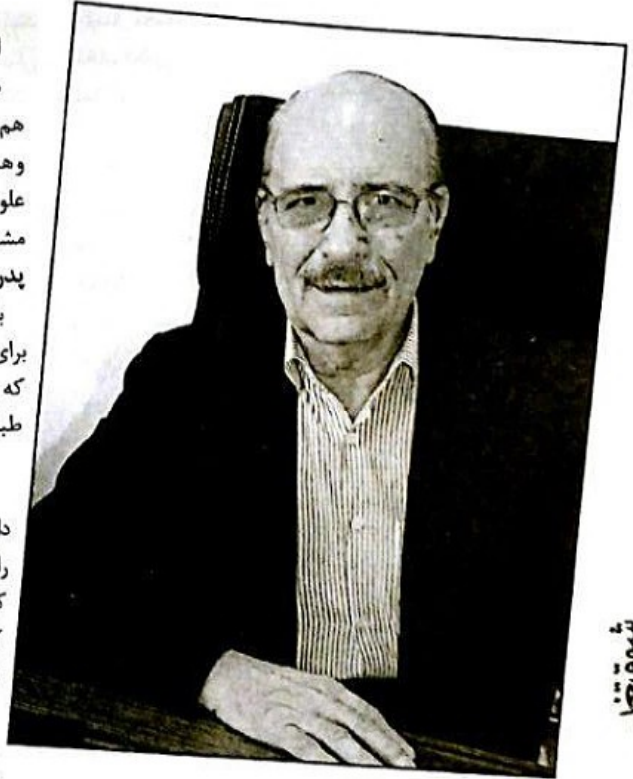
راهنمایی تحصیلی کار پیچیده‌ای است

گفت‌وگوی ابراهیم اصلانی با دکتر عبدالله شفیع آبادی، استاد رشته مشاوره دانشگاه علامه طباطبائی

اشاره

دکتر عبدالله شفیع آبادی، از اساتید شاخص و بنام رشته مشاوره در ایران است. او هم به لحاظ سال‌های تدریس و تعداد دانشجویان، هم کتابها و مقالات و پژوهش‌هایش و هم سابق مدیریت و اجرایی، چهارم شناخته شده در مجامع علمی و به‌ویژه در حوزه علوم انسانی و علوم تربیتی است. معلمی را از حدود ۵۰ سال پیش شروع کرده و با وجود مشغله‌های اجرایی، هم‌چنان به تدریس اشتغال دارد و از این کار لذت می‌برد. اگر وی را پدر مشاوره ایران بنامیم، بی‌گمان اغراق نکردیم.

با توجه به موضوع این شماره شوق تغییر، از استاد درخواست کردیم تا فرصتی برای گفت‌وگو فراهم کند. ایشان هم بلافاصله و با روی گشاده پذیرفت. این گفت‌وگو که در اتاق دکتر شفیع آبادی در دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی صورت گرفته است، از جهات گوناگون می‌تواند قابل توجه و خواندنی باشد.



و روانی در دایره تحقیقات روان‌شناسی در اداره مطالعات و برنامه‌های وزارت آموزش و پرورش به وجود آمد که از طریق وضعیت تحصیلی کودکان عقب‌مانده ذهنی در مدارس تشخیص داده می‌شد. در سال ۱۳۳۷ انتخاب رشته تحصیلی برای اشتغال آینده دانش‌آموزان ضروری تشخیص داده شد. لذا مرکز راهنمایی دانش‌آموزان در اداره کل تعلیمات متوسطه ایجاد شد. در مهرماه سال ۱۳۵۰ با تأسیس مدارس راهنمایی تحصیلی، فعالیت‌های مربوط به راهنمایی تحصیلی به‌عنوان فرایندی رسمی به نظام آموزش و پرورش ایران راه یافت و مورد عمل قرار گرفت.

گفتید که راهنمایی تحصیلی از حدود دهه ۵۰ به‌طور رسمی در آموزش و پرورش ایران مطرح شد. در این مدت، راهنمایی تحصیلی از چه مراحل عبور کرده و چه نقاط عطفی داشته است؟

تحلیل بنده این است که گرچه تأسیس مدارس راهنمایی تحصیلی انجام شد ولی به علت کمبود نیروی انسانی ماهر و متخصص، ناآشنایی مسئولان مدارس و دانش‌آموزان و اولیای آنان با هدفها و

دانش‌آموزان هم در تحقق هدفهای راهنمایی تحصیلی نقش‌هایی داشتند که به گفته آن زمان، به شاگردان کمک می‌کردند تا: باسواد شوند، ملا شوند و...

در زمینه راهنمایی شغلی هم، فرهنگ اصیل ما سابق استاد-

شاگردی را به ما بازگو می‌کند که هنوز معتقدم ما باید در برخی مشاغل این روش و سنت حسنه را حفظ کنیم و آن را زنده نگه داریم. ساده‌ترین و اولین روش راهنمایی شغلی همان دیدگاه ۳ بعدی فردشناسی، شغل‌شناسی و انطباق فرد با شغل است. مهم‌ترین و اساسی‌ترین بعد هستی یک انسان، در اشتغال او خلاصه می‌شود. به جرأت می‌توان گفت اشتغال به استقلال، خوشبختی و آرامش و بیکاری به وابستگی، ناراحتی و فساد می‌انجامد.

در دنیا اولین بار واژه راهنمایی تحصیلی به‌طور رسمی در سال ۱۹۱۴ میلادی توسط کلی (kelley) در آمریکا مطرح شد. او پیشنهادهایی برای انتخاب واحدهای درسی و انتخاب رشته تحصیلی و سازگاری با محیط مدرسه ارائه داد. مقدمات ایجاد راهنمایی تحصیلی در ایران در سال ۱۳۳۴ شمسی با تدوین چندین آزمون هوشی

سابقه موضوع هدایت تحصیلی و شغلی در ایران به چه سال‌هایی باز می‌گردد؟

ابتدا تشکر می‌کنم از شما و همه دست‌اندرکاران این اقدام مفید و مؤثر در پرداختن به موضوع هدایت یا راهنمایی تحصیلی و شغلی که از مهم‌ترین مسائل مبتلابه آموزشی و حتی ملی به‌شمار می‌رود. وقتی تاریخچه راهنمایی تحصیلی را دنبال می‌کنیم، درمی‌یابیم که راهنمایی تحصیلی از زمانی که تحصیلات، آموزش و یادگیری فرد شروع شد، وجود داشته است و متولیان امر چه در خارج و چه در کشور خودمان، افراد گوناگونی بودند. در ایران اگر به زمان مکتب‌خانه‌ها بازگردیم، در آن فضای آموزشی خاص، نوعی از راهنمایی تحصیلی را مشاهده می‌کنیم که توسط مکتب‌داران انجام می‌شد و والدین

روش‌های کار راهنمایان تحصیلی، کمبود ابزار و امکانات کار، ضعف آموزش راهنمایان تحصیلی، نبود نظام ارزشیابی درست و مناسب از فعالیت‌های راهنمایان تحصیلی، بی‌توجهی به نیازهای جامعه و اعمال روش‌های اجرایی نادرست با مشکلاتی مواجه شد.

► در اواسط دهه ۷۰ در مدارس عده‌ای به عنوان مشاور با رشته غیر تخصصی وارد کار شدند که آن‌ها هم با چالش‌های خاص خود مواجه بودند. شما چه نظری در این باره دارید؟

زمانی که مریضی نزد پزشک بی‌تخصص می‌رود، پزشک برای درمانش برنامه‌ریزی می‌کند. اگر کم بدانند، برنامه‌ریزی او غلط از آب درمی‌آید. این بیمار، چون خوب نشده است، باید دوباره به پزشکان دیگری مراجعه کند تا بهبود یابد. اگر از اول همین بیمار نزد پزشک متخصص می‌رفت، با برنامه‌ریزی صحیح، زودتر خوب می‌شد. ما در برنامه‌ریزی مشکل داریم. اگر برنامه‌ای درست طراحی شود، اجرای آن در یک دوره مشخص نباید مشکل‌آفرین باشد. اگر نسخه ناز به نوشته اشکال دارد و قابل اجرا نیست، احتمالاً نسخه‌نویس‌ها از آگاهی و تخصص کافی برخوردار نیستند یا اطلاعات لازم از شرایط و محیط ندارند.

► در دو دهه اخیر بحثی با عنوان «نقش مشاوره‌ای معلم»، در آموزش و پرورش کشور ما مطرح بوده است. با توضیحاتی که بیان کردید، موضوع نقش مشاوره‌ای معلم را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

وقتی می‌گوییم معلم-مشاور، یعنی معلم باید در نقش مشاور انجام وظیفه کند. معلم-راهنما، یعنی از معلم انتظار راهنمایی داریم. یادآوری کنیم که تعریف ما از راهنمایی و مشاوره کاملاً متفاوت است. در مشاوره، نقش اصلی مشاور، درمان مشکلات (پیشگیری اولیه) است. در مشاوره وقتی کسی پیش ما می‌آید، مشکلی دارد. مشکل می‌تواند یک مورد خودکشی یا یک دل‌گرفتگی مراجع باشد؛

هر دو مورد را مشکل می‌نامیم. یک مشکل را می‌توانیم در طیفی بین ۱ تا ۱۰۰ در نظر بگیریم. مشکل شاید از این‌جا شروع شود که کسی که دلش گرفته است، تن به کار نمی‌دهد، زود عصبانی می‌شود و حوصله صحبت کردن ندارد. نقطه‌نهایی هم ۱۰۰ است، یعنی کسی که میل به خودکشی دارد. اگر نگذاریم که ۱ به ۲ و همین‌طور ۲ به ۳ برسد، شاید به ۱۰۰ هم نرسد! این همان راهنمایی یا پیشگیری ثانویه خواهد بود. روش‌های درمان و پیشگیری با هم تفاوت دارند.

راهنمایی پیشگیری‌کننده است، یعنی با فرد صحبت می‌کنیم و رهنمودها و راهکارهایی که پیش گیرنده است را به فرد آموزش می‌دهیم.

در کشورهای دیگر هم سؤال شما مطرح شده است. این‌که آیا معلم می‌تواند مشاور هم باشد یا نه؟ دو دیدگاه وجود دارد. عده‌ای معتقدند چون معلم اولین و موجه‌ترین کسی است که دانش‌آموز را می‌شناسد و از مشکلات او آگاه است، لذا راحت‌تر می‌تواند راه‌حل بدهد. بنابراین، می‌تواند مشاور هم باشد. گروه دیگر معتقدند اگر معلم به عنوان مشاور وارد عمل شود، از همه مشکلات دانش‌آموز مطلع است و چه بسا با اثرگذاری منفی در امور دیگر و از جمله موارد تحصیلی به توانایی‌های او با دیده تردید بنگرد. در این صورت، خطر برجسته‌سازی منفی پیش خواهد آمد. پس، به مصلحت نیست که معلم، مشاور هم باشد. این تقابل دیدگاهی، سال‌ها ادامه داشته است.

برداشت بنده این است که با توجه به امکانات و شرایط موجود، برنامه معلم-راهنما در مدارس ابتدایی مناسب‌تر و موجه‌تر است. در این صورت، معلمان باید دوره‌های آموزشی خاصی را برای راهنمایی دانش‌آموزان بگذرانند. در خیلی از دیگر کشورها نیز چنین موردی اجرایی شده است. البته در این مدارس هم بنا به تعداد دانش‌آموزان، یک یا چند نفر مشاور برای بررسی و اقدام در موارد تخصصی حضور دارند. در کشورمان به اندازه کافی مشاور تحصیل کرده داریم و می‌توانیم از وجود آنان در مدارس بهره‌گیریم. اگر باور داشته باشیم که حضور آنان در مدارس

هم‌چون وجود مدیر و معلم برای نیل به یک آموزش و پرورش مؤثر و کارآمد لازم و ضروری است، آنان را به عنوان قطب‌های اصلی برنامه‌های آموزشی-تربیتی مدرسه به کار خواهیم گرفت.

چنان‌چه مدارس از وجود معلم-راهنما برخوردار شوند، وی می‌تواند با آموزش‌ها و شرح وظایف مشخص، هم کار تدریس را انجام دهد و هم به راهنمایی تحصیلی دانش‌آموزان بپردازد. او می‌تواند با معلمان دیگر، مدیر، معاونان و والدین، جلساتی داشته باشد، در جلسات انجمن

اولیا و مربیان حضور یابد، در آموزش خانواده مشارکت کند، تدابیر پیشگیرانه را در زمینه‌های گوناگون به کار بندد و در خیلی امور دیگر مدرسه مؤثر باشد. معلم-راهنما در مواقع ضروری می‌تواند دانش‌آموز مشکل‌دار را به مشاور مدرسه یا منطقه ارجاع دهد.

► پس به نظر شما، راهنمایی تحصیلی باید از دوره ابتدایی آغاز شود. چه فرایندی را برای تحقق این موضوع پیشنهاد می‌دهید؟

تأکید بنده بر شروع از دوره ابتدایی است؛ از همان ۵۰-۴۰ سال قبل معتقدم که آموزش ابتدایی پایه و اساس کار است و به همه مسئولان آموزش و پرورش تأکید می‌کنم هر نیروی مؤثری دارند، هر بودجه‌ای دارند، هر ساختمان مناسبی دارند و داناترین و بهترین معلمان را به ابتدایی بفرستند.

ابتدایی سرچشمه است و نباید از آن‌جا، آب گل‌آلود وارد مسیر شود. دانش‌آموزان عشق به مدرسه، یادگیری و معلم را از دوره ابتدایی می‌آموزند. اگر در ابتدایی سرمایه‌گذاری شود، ضرر و باختی ندارد. اگر ابتدایی خوب باشد، سال‌های بعد، پرسود و



شوق تعلیم

مجله تخصصی مشاوره و روان‌شناسی

برنمر خواهد بود و راحت خواهیم بود ولی اگر دبیرستان را محور اصلی قرار دهیم و ابتدایی را فرع بدانیم رشد نخواهیم کرد و همیشه همین مشکلات باقی خواهند بود البته با شدت بیشتر، با گذشت زمان.

با همکاری و طی جلسات متعدد با مسئولان آموزش و پرورش و همکاران ذیصلاح دانشگاهی می‌توانیم دورها و مواد و محتوای آموزش‌های لازم برای آموزگاران را در حیطه راهنمایی تحصیلی طراحی و اجرا کنیم یک نکته مهم این است که وقتی می‌گوییم راهنمایی تحصیلی را در مدرسه راه بیندازیم معنایش این نیست که فقط با خود دانش آموز سروکار

داشته باشیم بلکه تمام افرادی که به نوعی با دانش آموز ارتباط دارند باید در این فرایند درگیر شوند چون رفتار از عوامل گوناگون تأثیرپذیر است. می‌توانیم با معلم کار کنیم تا رفتار صحیح برای برقراری ارتباط با دانش آموزان و راهنمایی آن‌ها را یاد بگیرد. اگر مدیر، معاون، مستخدم مدرسه و عوامل دیگر، ندانند با دانش آموزان چگونه برخورد کنند تمام تلاش‌ها بی‌بهره خواهد بود. پس وقتی از راهنمایی تحصیلی صحبت می‌کنیم نگاهمان چندبعدی، جمعی و تعاملی است. طبعاً این نگاه، وقت‌گیر، کاربردی و مستلزم اقدامات گسترده است. نمی‌توان با یک ایلاخ ساده از معلم انتظار داشت که کار مؤثری برای راهنمایی دانش آموزان انجام دهد. پشتیبان توفیق معلم و مدرسه در راهنمایی تحصیلی، آموزش برنامه‌ریزی و اقدام است. این کار، عملی و شدنی است. تأکید می‌کنم مورد معلم - راهنما را نه صرفاً با صدور یک ایلاخ، بلکه با برنامه‌ریزی آموزش، اجرا و اقدام آزمایشی و حرکت گام‌به‌گام، می‌توانیم پیش ببریم و اطمینان داریم که ایده موفق و مؤثری خواهد بود. در این صورت، معلم در کنار کار خود، وظیفه دیگری هم به عنوان راهنما خواهد داشت.

► آموزش و پرورش از شما و استادان، برای بحث هدایت تحصیلی کمک گرفته است؟

بله، قبلاً در دفتر برنامه‌ریزی تحصیلی با کمک سایر همکاران دانشگاهی جلسات منظمی داشتیم. برنامه‌های خوبی نوشته می‌شد، ولی متأسفانه در عمل و اقدام کار به پیش نمی‌رفت. اخیراً هم برای طراحی برنامه هدایت تحصیلی جامع جلساتی تشکیل می‌شود که جای تشکر دارد. امیدوارم برنامه تنظیمی که با حضور مسئولان کارآموده وزارت آموزش و پرورش و تعدادی از همکاران دانشگاهی تهیه می‌شود، از امکانات اجرایی لازم برخوردار باشد.

► از مشکلاتی که در سال تحصیلی جاری در مورد هدایت تحصیلی پیش آمد و از دلایلی آن‌ها چه اطلاعاتی دارید؟

جزئیات و علل قطعی را نمی‌دانم، اما فکر می‌کنم دو بُعد باید در راهنمایی تحصیلی بیشتر مورد توجه قرار می‌گرفت. یک بُعد، ضرورت ارتباط مستقیم و مستمر با والدین است. یکی از مشکلات، ناشی از درگیر نساختن والدین با موضوع راهنمایی تحصیلی فرزندان‌شان بود. والدین باید در جریان راهنمایی تحصیلی آن‌ها قرار بگیرند و بدانند فرزندان‌شان در چه وضعیت تحصیلی و درسی قرار دارد و کدام رشته برای او مناسب‌تر است. مدرسه به روش‌های گوناگون در طی سال تحصیلی باید با والدین در ارتباط باشد، نه آن‌که یکباره آن‌ها را صدا بزند و بگوید فرزند شما باید به فلان رشته برود! والدین، برای شنیدن ماحصل راهنمایی تحصیلی فرزندان‌شان آمادگی نداشتند. آن‌ها از همان ابتدا تصورات و انتظاراتی از تحصیل فرزندان‌شان در آینده دارند و دنبال تحقق همان خواسته‌ها هستند. ما هم که زیاد با آن‌ها در تعامل نیستیم، بنابراین، وقتی در راهنمایی تحصیلی فرزندان‌شان، وضع دیگری را می‌بینند، شوکه می‌شوند و دانش‌شان درمی‌آید.

در راهنمایی تحصیلی، کلیه کسانی که با دانش آموز در ارتباطند، باید نقش فعال داشته باشند؛ هم نقش آگاهی‌دهنده و هم نقش آگاه‌شوند. باید والدین را در طول سال آگاه کنیم که وضعیت درسی فرزندان‌شان چگونه است؟ نظرشان چیست؟ باید چنین فرصتی را برای والدین ایجاد کنیم. باید با مدیر، معلم، مشاور و دانش آموز مشورت کنیم. این کار پیچیده‌ای است و نیاز به وقت، سرمایه، نیرو و تخصص دارد. بُعد دوم به مشکلات ابزاری و شناختی مربوط می‌شود که اشکالات فنی و اجرایی داشت و به موقع آماده نشد. سهمیه‌بندی رشته‌ها کاملاً علمی است و باید در جهت میزان نیازهای شغلی آینده جامعه باشد. ولی باید از همان آغاز کار، با همه در میان گذاشته شود، نه این‌که امروز تصمیم بگیریم و فوراً اجرا کنیم.

► راهنمایی تحصیلی چگونه به راهنمایی شغلی می‌رسد؟ اساس و ریشه راهنمایی تحصیلی با

شفیق آبادی در یک نگاه

در ۲۵ اسفند ۱۳۲۲ در شهرستان بجنورد به دنیا آمد تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در همان شهرستان به پایان رسانید در سال ۱۳۴۲ در رشته ریاضی از دبیرستان همت فارغ‌التحصیل شد با عنوان معلم تا سال ۱۳۴۴ خدمت سربازی خود را انجام داد و بلافاصله در آموزش و پرورش شهرستان کرج استخدام شد با شرکت در کنکور سال ۱۳۴۵ در دانشگاه لوریحان بیرونی پذیرفته و در سال ۱۳۴۸ در رشته کارشناسی مشاوره و روان‌شناسی با احراز رتبه ممتاز، فارغ‌التحصیل شد با استفاده از بورسیه وزارت علوم، برای ادامه تحصیل به آمریکا رفت و در دانشگاه ایلینویز شمالی تحصیلات تکمیلی خود را در کارشناسی ارشد و دکتری در رشته مشاوره با موفقیت به پایان رساند در سال ۱۳۵۴ به عنوان اولین فارغ‌التحصیل ایرانی دکتری مشاوره، به ایران برگشت و در دانشگاه لوریحان (علامه طباطبایی کنونی) فعالیت‌های آموزشی، پژوهشی، برنامه‌ریزی و اجرایی را آغاز کرد در سال ۱۳۷۱ به مرتبه استادی ارتقا یافت.

دکتر شفیع آبادی علاوه بر تألیف و ترجمه ۲۵ جلد کتاب ۲۵۰ مقاله چاپ‌شده فارسی و انگلیسی در مجلات معتبر داخلی و خارجی دارد و بیش از ۷۰ مقاله در سمینارهای علمی ارائه داده است. از فعالیت‌های شاخص علمی و اجرایی او عبارتند از: دبیر علمی چندین همایش، سردبیری و نیز عضویت در هیأت تحریریه چندین مجله علمی - پژوهشی، طراحی، تدوین و ارائه الگوی چندمحموری انتخاب شغل (SMPVC) در جهت کاربرد اصول نظریه آدلر در زمینه اشتغال، سالیان متمادی در سمت‌های مدیریت گروه مشاوره، معاون آموزشی و ریاست دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، معاونت آموزشی دانشگاه، قائم‌مقام دانشگاه، عضویت در هیأت امنای دانشگاه و نیز عضو شورای مرکزی سازمان نظام روان‌شناسی و مشاوره کشور.*

* این مطلب با دخل و تصرف از سایت دکتر شفیع آبادی نقل شده است.

معلم - راهنما از ابتدای شروع می‌شود و تا ۶ کلاس ابتدایی ادامه می‌یابد. راهنمایی دانش‌آموزان برای انتخاب رشته‌های تحصیلی، باید از کلاس هفتم آغاز شود تا وقتی که دانش‌آموزان به کلاس نهم می‌رسند بناتند که به چه رشته‌ای می‌خواهند بروند بهترین دوره برای شناخت استعدادها همان کلاس نهم است اما رغبت‌ها در حال تغییرند برای انتخاب رشته درست نیست که در مقطعی خاص و با یک آزمون، مصاحبه یا هر کدام دیگری تصمیم بگیریم. انتخاب رشته باید با مقدمات زمینه‌سازی‌ها و اطلاع‌رسانی‌های قبلی صورت گیرد. دانش‌آموز باید این امکان را داشته باشد که رغبتش را از طریق تجربه و عمل شناسایی کند یعنی در موقعیتهای گوناگون در معرض عمل و تجربه قرار گیرد. مثلاً اگر به پرستاری رغبت دارد در همین دوره ۳ ساله متوسطه اول، باید زمینه‌هایی فراهم شود تا واقعاً با پرستاری عملاً آشنا شود؛ بیلرستی برود و ببیند پرستار چگونه کار می‌کند یا پرستارهایی در مدرسه حضور یابند و صحبت کنند و اطلاعات بدهند.

هدف از هفتگی معرفی مشاغل که اینماتش را داریم همین بود که زمینه‌های آشنایی عملی با مشاغل گوناگون فراهم شود البته این کار، به این معنی نیست که هر سال فقط یک هفته را به معرفی مشاغل اختصاص دهیم؛ همه هفته‌ها باید به نوعی هفتگی معرفی مشاغل باشند طبق برنامه‌ریزی‌های مشخص، هر هفته باید عمده‌ی شغل از بیرون دعوت شوند تا بین ساعت درسی بیایند و برای دانش‌آموزان درباره شغل‌شان صحبت کنند این عمل می‌تواند از والدین دانش‌آموزان باشد و نیازی هم به تشکیلات خاص یا برگزاری مراسم و جشن نیست از بین والدین، افرادی در مشاغل گوناگون مانند مهندسی، تجاری، خیاطی، پرستاری، معلمی و غیره دعوت می‌شوند تا ۲۰-۱۵ دقیقه درباره شغل‌شان برای دانش‌آموزان صحبت کنند این درس زندگی خواهد بود نباید هفته معرفی مشاغل را به زمانی مشخص و برنامه‌هایی تشریفاتی در فضایی بسته محدود کرد مسئولان مدارس باید

در هر هفته، معرفی مشاغل را احیا کنند. **▶ زندگی‌نامه، آثار و فعالیت‌های علمی، پژوهشی و اجرایی شما در سایت خودتان آمده است. با توجه به شناختی که از دوران زندگی اساتیدی چون شما دارم، می‌خواهم ببرسم دکتر شفیع آبادی از شهر بجنورد که در آن به دنیا آمده، تا به این‌جا که الان هست را چگونه طی کرده است؟**

در خانواده‌های متوسط، ولی متعهد و معتقد به دنیا آمدن از کودکی یاد گرفتیم که درستکار باشیم و خدا را در همه حالات در نظر داشته باشیم. پدرم خیاط بود. خداوند والدینم را بیامرزد که به من آموختند روی پای خودم بایستم، دیپلم ریاضی که گرفتم، رتبه اول بودم. سپاه دانش رفتم و بعد معلم شدم. در کلاس‌های چندپایه یکی از روستاهای مرزی منطقه بجنورد به نام آدینه‌قلی که مردم بسیار مهربان و خون‌گرمی داشت. ۲ سال تدریس کردم و در آن‌جا با کمک خودشان مدرسه، مسجد و راه ساختیم. این زمان، یکی از دوران به یادماندنی زندگی‌ام محسوب می‌شود. بعد در کنکور دانشگاه ابوریحان با رتبه ممتاز پذیرفته شدم و لیسانس مشاوره و روان‌شناسی گرفتم. چون فارغ‌التحصیل ممتاز بودم، با بورس وزارت علوم، عازم آمریکا شدم. پس از اتمام تحصیلات ارشد و دکتری، اولین کسی بودم که با مدرک دکتری مشاوره، به ایران آمدم. وقتی برگشتم در همان دانشگاه ابوریحان با رتبه استادیاری مشغول کار شدم.

همیشه معلمی را دوست داشته‌ام. الان هم که نزدیک ۵۰ سال از خدمتم می‌گذرد، وقتی کلاس می‌روم و دانشجویم را می‌بینم، واقعاً لذت می‌برم. دو دختر موفق دارم، اما وقتی می‌برسد چند فرزند داری، می‌گویم: هزاران فرزند! همه دانشجویم فرزندان معنوی من هستند. دانشجویم را که می‌بینم، شاد می‌شوم.

▶ از شما حدود ۲۵ عنوان کتاب منتشر شده است که بسیاری از آن‌ها منابع دانشگاهی هستند یا برای عموم، قابل استفاده و کاربرد بوده‌اند. کتاب «فقره‌های مشاوره و روان‌درمانی»

که به همراه دکتر غلامرضا ناصری آن را نوشته‌اید، هم از نظر محتوا و هم از نظر انسجام و نظم مطالب، بسیار ارزشمند است. اگر چه از زمان انتشار آن در سال ۱۳۶۵ تاکنون، انتظار می‌رفت ویرایش‌های جدیدی از آن عرضه شود. یک موضوع قابل توجه در آثار شما و به ویژه کتاب‌های مربوط به اصول و فنون مشاوره، عنایت خاص به مفاهیم پایه است. در این باره هم توضیحی بدهید.

اعتقاد دارم هر کاری که می‌کنیم، باید یک مبنا و پایه دقیق علمی و فلسفی داشته باشد. حتی نماز که می‌خوانیم، باید مبنای دقیق دینی و فلسفی آن را بدانیم. اگر یک مشاور وارد حیطه عمل می‌شود، باید بداند که به کجاها وصل است و از کدام مبانی علمی استفاده می‌کند. من از دانشجویان می‌پرسم، این روشی که انجام دادید، بر چه مبنایی بود؟ در راهنمایی شفلی الگویی داده‌ام که مبنای علمی معتبری دارد و به نظریه آدلر وصل است. خیلی از دانشجویان فقط یاد می‌گیرند که روشی را چگونه اجرا کنند و کاری به مبنای آن ندارند. تمام کسانی که می‌خواهند یاد بگیرند و رشد کنند، باید مبانی علمی و فلسفی کار را بدانند؛ داشتن مبنا، یعنی داشتن ریشه.

یکی از آرزوهایم این است که ویرایش جدیدی از کتاب نظریه‌های مشاوره و روان‌درمانی را ارائه کنم. کم می‌خواهم و بقیه را کار می‌کنم. با خودم عهد کرده‌ام تا زمانی که خداوند صلاح بداند که نفس بکشم، در راه مشاوره خدمت کنم. به جز تلاش در جهت توسعه و ارتقای مشاوره دنبال کار دیگری نیستم. □

+ **سایت دکتر شفیع آبادی**
 خوب است سری هم به سایت اینترنتی دکتر شفیع آبادی بزنید. این سایت که توسط عده‌ای از دانشجویان استاد مدیریت می‌شود، شامل بخش‌های گوناگونی است. از جمله: زندگی‌نامه، آثار، مقالات فارسی و لاتین، پرسش‌نامه‌ها و طرح‌های پژوهشی، فایل‌های ویدئویی و تصاویر. مقالات سایت قابل دانلود است. نشانی سایت این است: <http://dr-a-shafiabadi.ir/>